



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

یکشنبه ۰۶ سپتمبر ۲۰۲۶

تهیه، ترتیب و ترجمه: داکتر فریده نوری

طالبان و مذاکرات

قسمت چهارم - ختم

نویسنده: افغانستان شناس Antonio Giustozzi

اختلاف عقیده یا ناراضی ها (نافرمانی):

اکثریت گروه های جهادی خارجی با سیاست های جدید طالبان موافق نبودند، حتی در گروه های که توافق را امضا کرده بودند. سه قومندان لشکر جهنگوی و به قرار بعضی منابع با ۴۵۰ عضو در یک حرکتی نافرمانی، توافقی را که طالبان تحمیل نموده بودند، رد نموده و با شبکه القاعده نیم قاره هند، دولت اسلامی خراسان و تحریک طالبان پاکستانی پیوستند.

حتی دو تا سه جناح جنبش اسلامی ازبکستان از این سیاست جدید فاصله گرفتند و تنها بطور غیر مستقیم در سال ۲۰۲۴ با جناح طرفدار طالبان متحد شدند. این رهبران جناح های جنبش اسلامی ازبکستان در ابتدا فکر می کردند که قطع ارتباط با شبکه القاعده و دولت اسلامی خراسان زیان آور و مضر است و نگران از دست دادن حمایت آن ها بودند و همچنان نگران بودند که طالبان به آن ها به مفاد امریکا و یا روسیه خیانت کنند. این جناح های ناراضی جنبش اسلامی ازبکستان روابط مثبت با شبکه حقانی داشتند و به دنبال آن بودند که شبکه حقانی، آن ها را در مناطق تحت کنترل خود مستقر کند.

در حملاتی که در ماه اکتوبر ۲۰۲۰ علیه اعضای جنبش اسلامی تاجکستان انجام شد، توسط برخی به عنوان مدرک به بی اعتمادی از طرف شورای کویته تلقی شده و منجر به یک جدایی جدید گردید: ۱۴۵ عضو جناح اسلامی ازبکستان که با طالبان توافق کرده بودند، جنبش را ترک کردند. ازبک های که در سوریه می جنگیدند واضحاً توافق با طالبان را رد نموده و طالبان را مرتد خوانده و آن ها را به صلیبی ها شبیه دانستند و از جنبش اسلامی ازبکستان خواستند که این توافق را رد کند.

به گفته یک رهبر القاعده در نیم قاره هند که زیاد خشمگین بود، به این نتیجه رسید که تعهد آن ها در دو دهه در کنار طالبان یک اشتباه بوده است، در حالیکه قبلاً سازمان مرکزی شبکه القاعده بیانییه های را منتشر نموده بودند که در آن موفقیت طالبان را در مقابل امریکا تجلیل نمودند. اما ارزیابی های داخلی القاعده نشان می دهد که باوجود تلاش های شان برای مصالحه با امریکا، احساس خیانت از جانب طالبان می کنند.

از طرف دیگر حمایت سعودی ها از توافق صلح طالبان با امریکا، سبب شد که القاعده شبکه نیم قاره هند از طالبان فاصله بگیرد و برای همکاری با دولت اسلامی خراسان داخل مذاکره گردید. رهبران القاعده در نیم قاره هند از بحث در مورد روابط شان با دولت اسلامی خراسان با رهبران طالبان خودداری نمودند و تنها اظهار نمودند که روابط موقتی می باشد. از طرف دیگر شبکه القاعده در نیم قاره هند وعده دادند که اگر طالبان توافق شان را با امریکا لغو کنند، دوباره این اتحاد را بررسی می کنند، همچنین این موضوع توسط یک منبع در رهبری طالبان نیز تائید شد.

اگر چه هیچ اطلاعیه رسمی منتشر نشده بود، اما به نظر می رسید که اداره مرکزی القاعده در حال مطالعه و بررسی پس گرفتن به رسمیت شناختن هبت الله آخندزاده به صفت امیر طالبان است و تحرکاتی برای تشویق نفاق اندازی در درون رهبری طالبان داشت. علاوه القاعده در نیم قاره هند به رد نمودن درخواست های مکرر طالبان برای امضای توافق نامه ادامه می داد و به دیگر وابستگانش مانند تحریک طالبان پاکستان فشار وارد می کرد که همین کار را بکنند.

القاعده شاخه هند و پاکستان روابط خود را با گروه جنبش اسلامی ازبکستان به دلیل امضای توافق با طالبان قطع نمود. رهبری طالبان نگران همکاری القاعده با دولت اسلامی خراسان بود و رهبر طالبان این نگرانی را با رهبران القاعده نیم قاره هند در میان گذاشت تا آن ها را مطمئن کند و همچنان برای شان اطمینان داد که توافق با امریکا هیچ نوع تهدیدی برای آن ها محسوب نمی شود. تحریک طالبان پاکستان از امضای توافق با شورای کویته خودداری کرد، چونکه حاضر نبود فعالیت هایش را علیه دولت پاکستان متوقف سازد، همچنان از ثبت نام اعضای خود در نزد طالبان تردید داشت، زیرا نگران بود که مبدا روزی این اطلاعات به دولت پاکستان منتقل شود.

اگر چه رهبران طالبان تصمیم گرفته بودند که در مقابل القاعده و تحریک طالبان پاکستان سختگیری نکنند، اما روابط خود را با گروه های آسیای مرکزی که از امضای توافقنامه امتناع ورزیده بودند، قطع نمودند. برخی از اعضای مدیره طالبان معتقد بودند که قطع روابط نسبت به امضای توافق با

این گروه ها مفید است زیرا این کار رضایت چندین دولت مانند چین، پاکستان و روسیه را که طالبان مایل به حفظ روابط خوب با آن ها بودند، جلب می کند.

بعد از تصرف کابل در اگست سال ۲۰۲۱، طالبان کوشیدند تا گروه های جهادی را یکی بعد دیگری وادار نمایند تا شرایط شان را برای باقیماندن در افغانستان بپذیرند.

نتیجه گیری:

واضح و علنی است که مذاکرات با طالبان، مخصوصاً در یک فضای درهم و برهم توسط بازیگران مختلف که با یکدیگر رقیب بودند، انجام داده شد. چیزیکه قابل توجه است که امریکایی ها و دولت دست نشاندۀ شان در افغانستان نتوانستند، بالای طرح یک مذاکره به توافق برسند.

نماینده خاص امریکا خلیلزاد و رئیس جمهور ترمپ، در آن وقت متهم شدند که از حساسیت کافی برخوردار نبودند چون همه چیز را بدون توافق دولت غنی پیش بردند.

در عین زمان عزم دولت غنی برای پیروی از مسیری که انتخاب کرده بود، واضحاً خودکشی دولتش را نشاندهنده بود، طوریکه در طول سال ۲۰۲۱ به وضاحت دیده شد.

در این مختصر مشاهده می کنیم که طالبان نیز آنقدر که فکر می شد متحد نبودند، در رهبری سیاسی طالبان اکثریت قاطع آن ها طرفدار توافق با امریکایی ها بودند، چون به نظر آن ها یکی از مزایایش تقویت قدرت "سیاستمداران" بود و مانع از آن که رهبران نظامی جنگ را ببرند، و قدرت را بدست بگیرند، می شد، اما برای رهبران نظامی کاملاً وضعیت بر عکس بود.

دانستن اینکه رهبران سیاسی طالبان دائماً مسیر خود را تنظیم می کنند، مهم است، نه به خاطر تن دادن به دستورات ایدئولوژیک، بلکه برای مطابقت دادن به انتظارات حامیان مالی و متحدان خارجی شان. گفته می توانیم که این رهبران توانسته بودند یک محیط بسیار پیچیده را مدیریت کنند و سیاست های امریکا را به نفع خود با موفقیت بازی کنند.

آن ها همچنان مجبور شدند تا با شرکای قدیمی جهادی خود مقابله کنند تا قوانین جدید رعایت شود و از جانب آن ها مطمئن شوند که باعث به خطر انداختن ادغام آینده دولت افغانستان ناشی از موافقه در نظم منطقه و بین المللی نمی شوند.

طالبان روی تشکیل یک دولت ائتلافی با دیگر احزاب و گروه های اسلامی افغان حساب کرده بودند. اما در سال ۲۰۲۱ بود که طالبان شروع به فکر کردن در مورد فروپاشی کامل دولت افغانستان شدند.

علاوه بر این سوال پیدا می شود که آیا طرفداران خط سختگیرانه در بین طالبان، انگیزه ایدیالوژیک افراطی داشتند یا نه؟

سراج الدین حقانی نماینده اصلی خط سختگیرانه به مراتب نشان داده است که برای بلند پروازی های شخصی اش عمل می کرد و وقتی می دید منافع اش در نقصان است، انعطاف نشان می داد. بعد از به قدرت رسیدن طالبان در اگست ۲۰۲۱ تلاش نمود تا خود را در دولت طالبان معتدل و حتی مدافع حقوق زنان معرفی کند. همچنان تخصصی ساختن دستگاه دولت، و نزدیکی با امریکا را مطرح نمود.

بنابراین رفتار طالبان در طول جریان مذاکرات، یک طرز برخورد فرصت طلبانه بود، آن ها با توجه به شرایط، رفتار شان را تغییر می دادند تا به سود شان تمام شود (Opportuniste). از جمله امیر هبت الله که بعد از تغییر رژیم در اگست ۲۰۲۱ به صفت یک ایدیالوگ اصلی و محافظه کار افراطی شناخته شد.

طالبان در هنگام پروسه مذاکرات کوشیدند تا قدرت و نفوذ خود را به حد اکثر برسانند و از انواع روابط با قدرت های خارجی و ابزار های فشار که در دست داشتند، استفاده کنند. آن ها به سادگی نشان دادند در رسیدن به اهداف شان از رقبای شان مؤثرتر هستند، باوجودیکه واقعاً متحد نبودند، اما در عمل نسبت به رقبای شان بسیار زیاد متحد به نظر می رسیدند. رفتار استفاده جویانه طالبان بصورت واضح در برخورد شان با جهادست های خارجی که در طول جهاد در پهلوی شان با به خطر انداختن زندگی شان جنگیده بودند، هویدا می گردد. جهادست های خارجی قبول نموده بودند که تا زمان موفقیت طالبان جهاد خود را پیش نبرند، اما طالبان در سال ۲۰۲۰ به اطلاع آن ها رسانیدند که حتی پس از پایان جهاد طالبان، آن ها اجازه ندارند که جهاد خود را از قلمرو افغانستان در خارج رهبری و انجام بدهند.

طالبان این موضع یا دیدگاه خود را بعد از اینکه فرضیه مشارکت شان در یک دولت ائتلافی در کابل نیز رفع گردید، حفظ کردند که سبب عصبانیت جهادست های خارجی گردید، و از بستن هر نوع توافق با طالبان خودداری کردند.

در سال ۲۰۲۵ طالبان هنوز هم تلاش می کردند که گروه های مختلف جهادی را کنترل نمایند و آن ها را مجبور به پیروی از قدرت شان بسازند. طالبان به خوبی می دانستند که صرف نظر از چگونگی تحولات، امریکا و دولت های منطقه در صورتی با رژیم شان همکاری می کنند که جهادست های خارجی ای که در افغانستان مستقر هستند، مهار شوند.

در اینکه طالبان به یک ایدیالوژی فوق العاده محافظه کار پابند هستند، هیچ جای شک و تردید وجود ندارد، اما در این هم شک نیست که آن ها قادر هستند که بسیار واقع بینانه نیز رفتار کنند. در واقع بعید است که یک تشکیل شورشی باوجود همه پیش بینی ها و توقعات به مدت بیست سال به مبارزه ادامه داده و به آسانی اصول ایدیالوژیک خود را رها نمایند.